



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مطلق و مقید
موضوع جزئی: حمل مطلق بر مقید - بررسی حمل مطلق بر مقید در مستحبات - ادله عدم حمل در مستحبات - دلیل اول و دوم و بررسی آنها - دلیل سوم
تاریخ: ۱۲ دی ۱۴۰۱
مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۴۴
جلسه: ۵۰
سال چهاردهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بررسی حمل مطلق بر مقید در مستحبات

آخرین بحثی که از مبحث مطلق و مقید باقی مانده، حمل مطلق بر مقید در مستحبات است. تا اینجا درباره حمل مطلق بر مقید در واجبات و شروط آن و اقسام و صورتی که در آن حمل صورت می‌گیرد مطالبی را عرض کردیم. حال بحث این است که آیا این قاعده در مورد مستحبات نیز جاری می‌شود یا خیر؟ یعنی مثلاً اگر دو دلیل به ما برسد یکی دال بر استحباب زیارت سید الشهداء به نحو مطلق و یک دلیل نیز همراه با قید باشد، یعنی این استحباب را در ایام خاصی ثابت کند، مثلاً شب بیست و هفتم رجب یا سیزده رجب، شب‌های قدر یا شبهای جمعه؛ آیا در این موارد مثل سایر ادله، مطلق بر مقید حمل می‌شود یا خیر؟

علت اینکه این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که مشهور در مورد مستحبات مطلقات را حمل بر مقیدات نکردند. سوال است که چرا مشهور در باب مستحبات مطلق را حمل بر مقید نمی‌کنند، با اینکه حمل مطلق بر مقید در واقع یک نحو جمع بین دو دلیل است؟ اگر یک شرایطی موجود باشد مثلاً تنافی باشد، مورد تکلیف یکی باشد، وحدت تکلیف باشد مطلق حمل بر مقید می‌شود، دو دلیلی که دلالت بر استحباب یک عملی می‌کنند، حال یکی به نحو مطلق و یکی به نحو مقید، اینها نیز باید بین آنها جمع شود، چرا در باب مستحبات مشهور از آنچه در مورد سایر ادله بناگذاری کردند عدول کردند؟

ادله عدم حمل در مستحبات

چند دلیل برای عدم جریان حمل مطلق بر مقید در مستحبات بیان شده است. ببینیم آیا این ادله می‌تواند توجیه کند رفتار مشهور را یا خیر؟

دو دلیل از این ادله را محقق خراسانی در کفایه بیان کردند، هرچند یک فتأمل و فافهم نیز دارند؛ یک دلیل در کلمات محقق نایینی بیان شده است و یک بیانی نیز محقق خوبی دارند که این دلیل نسبت به بعضی از صور جریان دارد، یعنی در واقع محقق خوبی تفصیل دادند بین موارد که حالا اشاره خواهیم کرد. مجموعاً این چند دلیل برای عدم جریان حمل مطلق بر مقید در مورد مستحبات ذکر شده است.

دلیل اول

در مستحبات غالباً مراتب محبوبیت و مطلوبیت تفاوت دارد، یعنی کأنه استحباب امور دارای درجات مختلف است، رجحان برخی بر برخی مشخص و معلوم است، ما هم اصل استحباب را داریم، هم استحباب موکد را که در یک شرایط خاصی، استحباب موکد می‌شود، اما در واجبات اینطور نیست، یعنی اگر هم باشد غلبه ندارد اما در مورد مستحبات فراوان ما سراغ داریم که عملی

استحباب دارد اما اگر مثلاً با قیدی و شرطی یا یک خصوصیتی همراه شود استحبابش بیشتر شود و حتی ممکن است در شرایط دیگر استحبابش خیلی بیشتر شود، ما در مورد مستحبات از این موارد زیاد داریم، مثل زیارت سیدالشهداء که روایت و دلیل داریم بر استحباب زیارت، حال اصل زیارت مستحب است، اما فرض کنید زیارت سید الشهداء طبق بعضی از ادله در شب‌های جمعه استحباب بیشتری دارد، یعنی یک مرتبه بالاتری از استحباب یا به تعبیر دیگری یک تأکیدی پیدا می‌کند یا مثلاً شب قدر، روز عید غدیر، مناسبت‌های مختلف بر اساس روایاتی است که این فضیلت‌ها را برای زیارت بیان کرده است.

پس یک دلیل این است که اصلاً در باب استحباب غلبه با مستحباتی است که مراتب و درجات متفاوتی برایش ذکر شده که اینها از حیث فضیلت متفاوت هستند و بالا و پایین دارند. پس علت اینکه مطلقاً حمل بر مقیدات نمی‌شود این است که داستان مستحبات غیر از واجبات است.

بررسی دلیل اول

خود محقق خراسانی اینجا یک فتاوی‌ها دارند که کأنه اشاره به یک اشکالی است که چه بسا در مورد واجبات نیز ما موارد زیادی داریم که مصادیق آنها به حسب موارد محبوبیت متفاوت هستند یعنی این دلیل برای عدم حمل مطلق بر مقید در مستحبات نمی‌شود، زیرا عیناً در واجبات نیز همین حرف را می‌شود زد؛ یک فتاوی‌ها محقق خراسانی اینجا دارند.

سوال

استاد: خود محقق خراسانی این دلیل را قبول نکردند. شما دلیل نمی‌آورید، ادعا می‌کنید، این خودش محل بحث است ما یک دلیل را گفتیم که خود محقق خراسانی اشاره به ضعفش دارد.

سوال:

استاد: اولین دلیل را محقق خراسانی بیان کردند، فرقی‌شان این است که غالب مستحبات اینچنین هستند و غالب واجبات اینچنین نیستند؛ پس اینجا حمل مطلق بر مقید صورت نمی‌گیرد. خود ایشان اشکال کردند و گفتند فتاوی‌ها.

سوال

استاد: از آن طرف عکسش را می‌توانیم بگوییم. یعنی هر دو طرف را می‌توانیم بگوییم، هم می‌توانیم بگوییم در واجبات نیز تفاوت مراتب به حسب محبوبیت داریم و هم می‌توانیم بگوییم همین که شما در مستحبات ذکر کردید آنجا نیز همین کار را بکنیم و حملی صورت نگیرد.

دلیل دوم

ما در مورد مستحبات یک قاعده‌ای داریم به نام قاعده تسامح در ادله سنن، که ادله مختلفی برای آن بیان شده است و البته مهمترین پشتوانه این قاعده اخبار من بلغ است که من بلغه که فلان عمل این مقدار اجر و ثواب و پاداش دارد، چنانچه کسی آن عمل را برای رسیدن به آن ثواب و پاداش انجام دهد، خداوند آن اجر و ثواب را به او می‌دهد ولو اینکه پیامبر نگفته باشد. این اخبار من بلغ خودش یک بحث مفصلی دارد که در جای خودش باید بحث شود. از این یک قاعده به عنوان قاعده تسامح در ادله سنن استفاده شده به این معنا که در ادله‌ای که مبین مستحبات و سنت‌ها است با تسامح برخورد می‌شود. یعنی مثلاً اگر خبر ضعیفی وارد شد که چنانچه کسی مثلاً در شب اول ماه صفر فلان نماز را بخواند این مقدار ثواب و پاداش دارد و او این نماز را به منظور

درک آن ثواب بخواند، این ثواب به او داده می‌شود، ولو این خبر ضعیف باشد «مَنْ بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (ص) شَيْءٌ مِنْ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذَلِكَ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمْ يَقُلْهُ»؛ البته اخبار من بلغ فقط در حوزه مستحبات جریان دارد و لزوم از آن استفاده نمی‌شود.

محقق خراسانی می‌گویند ما به کمک اخبار من بلغ می‌توانیم اینجا مسئله را حل کنیم زیرا اگر فرض بفرمایید یک روایتی وارد شده که فلان عمل به صورت مطلق این ثواب را دارد و فلان عمل با این قید مثلا این ثواب را دارد، یعنی یکی به نحو مطلق و یکی به نحو مقید اینجا ما مطلق را حمل بر مقید نمی‌کنیم، یعنی با استناد به قاعده تسامح، می‌گوییم بین این دو دلیل تنافی نیست، درست است اینجا یکی مقید است و یکی مطلق و قاعده اقتضاء می‌کند که ما مطلق را حمل بر مقید کنیم، یعنی بگوییم مثلا زیارت سید الشهداء در غیر این ایام استحباب ندارد یا عتق رقبه غیر مؤمنه استحباب ندارد اصلا، اگر مطلق را حمل بر مقید کنیم نتیجه‌اش این می‌شود که مثلا عتق رقبه مؤمنه استحباب دارد و عتق رقبه غیر مؤمنه استحباب ندارد؛ اما ما این کار را نمی‌کنیم، با تسامح برخورد می‌کنیم و می‌گوییم هر دو دلیل درست است و بین اینها تنافی نیست، ما هر دو را حفظ می‌کنیم، از دلیل مطلق رفع ید نمی‌کنیم، بلکه می‌گوییم یکی اصل استحباب را بیان می‌کند، آن یکی تاکد استحباب را؛ مثلا مطلق را دال بر خود استحباب و مقید را دال بر تاکد استحباب می‌دانیم.

پس با کمک قاعده تسامح به جای اینکه بین این دو دلیل جمع کنیم و در یکی به نفع دیگری تصرف کنیم به هر دو اخذ می‌کنیم و در هیچکدام تصرف نکرده و هم مطلق و هم مقید را اخذ می‌کنیم.

بررسی دلیل دوم

این دلیل نیز البته جای بحث دارد که آیا واقعا قاعده تسامح در ادله سنن اینجا جریان دارد و قابل تطبیق است یا خیر؟ آنچه که از این قاعده استفاده می‌شود این است که اگر خبر ضعیفی وارد شد که دلالت بر بلوغ ثواب برای یک عملی داشته باشد، این ضعف در سند باعث نمی‌شود که عامل از آن پاداش محروم شود، یعنی کأنه خداوند یک لطفی به بندگان کرده و به ضعف سندی توجه ندارد. البته در اینکه اخبار من بلغ چه نتیجه‌ای دارد اختلاف نظر است، چندین قول اینجا وجود دارد. اینکه آیا اخبار من بلغ اثبات استحباب عمل می‌کند یعنی با اخبار من بلغ می‌توانیم بگوییم فلان عمل مستحب است یا از آن استفاده می‌شود که این ثواب دارد و استحباب به دست نمی‌آید، اینها با هم فرق دارد. با قطع نظر از آن اختلاف اساس اخبار من بلغ این است که سند یک خبر را که مبین ثواب یک عمل است اگر ضعیف باشد این را نادیده می‌گیرد.

پس قاعده و اخبار من بلغ مربوط به سند روایات و ضعفی است که در این جهت وجود دارد اما آنچه که اینجا محقق خراسانی می‌فرماید، ربطی به مسئله سند ندارد، ایشان یک توسعه‌ای در قاعده تسامح می‌دهند که هیچ مبنایی ندارد. این توسعه را به این شکل می‌دهند که مثلا ما به جای اینکه بیایم جمع بین دو دلیل کنیم و در یکی تصرف کنیم، می‌گوییم نه، ما به هر دو اخذ می‌کنیم و هیچ کدام را دست نمی‌زنیم، این بر چه اساسی است؟ یا اینکه به واسطه اخبار من بلغ بگوییم بین اینها تنافی نیست، تعبدا که نمی‌توانیم بگوییم تنافی هست یا خیر؟ بالاخره یا تنافی وجود دارد یا خیر؟ بنابراین به نظر می‌رسد این دلیل نیز قابل قبول نیست.

دلیل سوم

^۱ وسائل الشیعة، ج ۱، باب ۱۸، أبواب مقدمة العبادات، ح ۳

محقق نایینی می گویند اساسا استحباب به معنای رجحان فعل به همراه ترخیص در ترک است، وقتی می گویند یک عمل مستحب است یعنی فعلش رجحان دارد ولی ترکش هم ممنوع نیست و ترخیص در ترک با استحباب فعل به نحو مطلق منافات ندارد. پس اساسا در باب مستحبات جایی برای حمل مطلق برمقید نیست زیرا تنافی وجود ندارد، حمل، یک شرط مهم دارد که عبارت است از تنافی بین الدلیلین، اگر اینجا تنافی نبود قهرا جایی برای حمل نیست، لذا در مستحبات چون ترخیص در ترک وجود دارد ما منافاتی نمی بینیم بین دو دلیل تا بخواهیم یکی را بر دیگری حمل کنیم.

بحث جلسه آینده

نزدیک به این مطلب را محقق خوبی بیان کردند؛ البته محدوده دلیل چهارم با دلیل سوم متفاوت است که آن را چون نزدیک به این است ذکر میکنیم و بعد این دو دلیل را بررسی می کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»